



پرسش‌ها و پاسخ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی سبب‌الافتقار منصوصاً به اشعری حیرت‌انگیز حفظه الله تعالی

## موضوع:

### احکام؛ نماز؛ نمازهای واجب یومیّه

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

#### پرسش

نویسنده: یونس

تاریخ: ۱۳۹۶/۵/۷

اوقات نماز و هنگام قضا شدن آن را چگونه تشخیص دهیم؟ در ایران زمان اذان اهل تشیع و اهل سنت دقایقی با هم اختلاف دارد. آیا نماز خواندن با اذانی که رسانه‌ها پخش می‌کنند صحیح است؟

#### پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۵/۱۲

خداوند **﴿مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾**<sup>۱</sup>؛ «هنگام طلوع فجر» را اول وقت **﴿صَلَاةِ الْفَجْرِ﴾**<sup>۲</sup>؛ «نماز فجر» قرار داده و فرموده است: **﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾**<sup>۳</sup>؛ «و قرآن فجر را، هرآینه قرآن فجر مشهود است» و آن با دمیدن سپیده در افق شناخته می‌شود که وقت امساک روزه‌دار است؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾**<sup>۴</sup>؛ «و بخورید و بیاشامید تا آن گاه که خط سپید فجر برایتان از خط سیاه پدیدار شود» و آخر وقت نماز فجر را طلوع آفتاب قرار داده که سر زدن قرص خورشید از افق است؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ﴾**<sup>۵</sup>؛ «و به ستایش پروردگارت تسبیح گوی پیش از طلوع آفتاب». همچنین، زوال آفتاب را اول وقت نماز ظهر و عصر قرار داده و فرموده است: **﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ﴾**<sup>۶</sup>؛ «نماز را به هنگام زوال آفتاب بر پا دار» و آن هنگامی است که سایه‌ی هر چیزی پس از رسیدن به کوتاه‌ترین حدّ خود در روز، شروع به بلند شدن می‌کند؛

۱. القدر / ۵

۲. التور / ۵۸

۳. الإسراء / ۷۸

۴. البقرة / ۱۸۷

۵. طه / ۱۳۰

۶. الإسراء / ۷۸

چنانکه فرموده است: **«أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظَّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا»**؛ «آیا ندیدی که پروردگارت چگونه سایه را بلند می‌گرداند و اگر می‌خواست آن را ساکن قرار می‌داد، سپس خورشید را دلیلی بر آن قرار دادیم» و آخر وقت نماز ظهر و عصر را غروب آفتاب قرار داده و فرموده است: **«وَسَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ»**؛ «و به ستایش پروردگارت تسبیح گوی پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب» و آن هنگامی است که قرص خورشید در افق پنهان می‌شود؛ چنانکه فرموده است: **«فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»**؛ «پس (سلیمان) گفت: من دوستی اسب را بر یاد پروردگارم پسندیدم تا آنکه (خورشید) در حجاب پنهان شد». همچنین، آغاز شب را اول وقت نماز مغرب و عشاء قرار داده و فرموده است: **«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ»**؛ «و نماز را در دو طرف روز و آغازی از شب اقامه کن» و آن هنگامی است که قرص خورشید در افق پنهان می‌شود و آخر وقت نماز مغرب و عشاء را اوج تاریکی شب قرار داده که نیمه‌ی شب است؛ چنانکه فرموده است: **«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»**؛ «نماز را به هنگام زوال آفتاب تا اوج تاریکی شب اقامه کن»، هر چند بنا بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سیره‌ی اهل بیت او، بهتر است که نماز صبح قدری پس از طلوع فجر بر پا داشته شود و آن - بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - هنگامی است که یک‌سوم از بین الطلوعین گذشته باشد و نیز بهتر است که نماز ظهر قدری پس از زوال آفتاب بر پا داشته شود و آن - بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - هنگامی است که طول سایه حدود نیم قدم تا دو قدم افزایش یافته باشد؛ همچنانکه شایسته است نماز عصر - جز به ندرت یا ضرورت یا هنگام سفر - در وقت عصر بر پا داشته شود و آن - بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - هنگامی است که سایه‌ی هر چیز دو برابر خودش شده یا دوسوم از بازه‌ی میان زوال تا غروب آفتاب گذشته باشد و نماز مغرب - جز به ندرت یا ضرورت یا هنگام سفر - پیش از زوال سرخی مغرب بر پا داشته شود و نماز عشاء - جز به ندرت یا ضرورت یا هنگام سفر - در وقت خفتن بر پا داشته شود و آن - بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - هنگامی است که یک‌چهارم تا یک‌سوم از شب گذشته باشد. از اینجا آشکار می‌شود که اوقات نماز با علم به موقعیت خورشید در آسمان معلوم می‌شود و آن، از سه طریق به دست می‌آید:

۱. الفرقان / ۴۵

۲. ق / ۳۹

۳. ص / ۳۲

۴. هود / ۱۱۴

۵. الإسراء / ۷۸

۶. برای آگاهی بیشتر در این باره، بنگرید به: گفتار ۲۰۲.

۱. مشاهده‌ی موقعیت خورشید در آسمان با چشم خود که جز در دقایق نخستین فجر، طلوع، زوال و غروب کار دشواری نیست؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: **«حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ»**؛ «تا آن گاه که خط سپید فجر برایتان از خط سیاه پدیدار شود».

۲. شنیدن اذان شهر هرگاه بنا بر عادت یا قرائن معلوم باشد که بدون علم به آن گفته نمی‌شود؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»**<sup>۱</sup>؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هرگاه برای نماز روز جمعه ندا داده شد، پس به سوی ذکر خداوند بشتابید» و فرموده است: **«وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»**<sup>۲</sup>؛ «و هنگامی که به سوی نماز ندا می‌دهید، آن را به سخره و بازی می‌گیرند، آن از این روست که آنان گروهی هستند که عقل را به کار نمی‌برند» و با توجه به سخن مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده است: **«إِنَّ بِلَالَ يُودُّنُ بَلِيلٌ فَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُنَادِيَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ»**<sup>۳</sup>؛ «هرآینه بلال در شب اذان می‌گوید، پس بخورید و بیاشامید تا آن گاه که ابن ام مکتوم ندا دهد»، هر چند در روایات اهل بیت، نام بلال و ابن ام مکتوم به جای یکدیگر آمده است.<sup>۴</sup> در این زمینه، باید توجه داشت که اذان مغرب توسط شیعه، به هنگام غروب آفتاب گفته نمی‌شود، بل حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه پس از آن به هنگام زوال سرخی مشرق گفته می‌شود که تاریکی شب بالا می‌آید و ستارگان شروع به ظاهر شدن می‌کنند، در حالی که این کار بدعت است و توسط یکی از فرقه‌های غالی شیعه رواج داده شده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

**«صَلَّى الْمَنْصُورُ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ، ثُمَّ سَمِعَ أَذَانًا، فَقَالَ: مَا هَذَا؟! قُلْنَا: هَذَا أَذَانُ الشَّيْعَةِ! لَا يُؤَدُّنُونَ حَتَّى يَرْتَفِعَ اللَّيْلُ! فَقَالَ: غَلَبَ عَلَيْهِمُ الْخَطَائِبَةُ»**<sup>۵</sup>؛ «منصور نماز مغرب را گزارد، سپس اذانی را شنید، پس فرمود: این چیست؟! گفتیم: این اذان شیعه است! اذان نمی‌گویند تا آن گاه که شب بالا بیاید! پس فرمود: خطایبیه بر آنان چیره شده‌اند».

همچنانکه برخی از مساجد اهل سنت پیش از طلوع فجر اذان می‌گویند تا مردم را برای نماز بیدار کنند، در حالی که این کار شایسته نیست و چه بسا موجب اشتباه مردم می‌شود و بسیاری از آن‌ها -خصوصاً در ظهر- با نظر به وقت اقامه‌ی نماز جماعت و نه اول وقت نماز اذان می‌گویند،

۱. البقرة / ۱۸۷

۲. الجمعة / ۹

۳. المائدة / ۵۸

۴. مسند الشافعی، ص ۳۰؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۱، ص ۴۹۰؛ مصنف ابن ابي شيبة، ج ۲، ص ۴۲۷؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۵۷، ج ۶، ص ۴۴؛ مسند الدارمی، ج ۱، ص ۲۷۰؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۵۳، ج ۲، ص ۲۳۱؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۸؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۳۰؛ سنن النسائی، ج ۲، ص ۱۰؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱، ص ۳۸۰

۵. بنگرید به: الكافي للكليني، ج ۴، ص ۹۸؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۱، ص ۲۹۷.

۶. گفتار ۱۳۹، فقره ۱

در حالی که این کار نیز شایسته نیست؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعَ الْمَنْصُورُ أَذَانًا قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، فَقَالَ: إِنَّ مِنَ الْمُؤَدِّينَ حُورًا! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُنَبِّهَ النَّاسَ لِلصَّلَاةِ، فَقَالَ: لَيْسَ لَهُ أَنْ يُؤَدِّنَ لِدَلِكْ وَلَكِنْ يُنَادِي الصَّلَاةَ حَيَّرَ مِنَ النَّوْمِ يَقُولُهَا مِرَارًا، قُلْتُ: هَلْ لَهُ أَنْ يُؤَخَّرَ الْأَذَانَ عَنِ الْوَقْتِ؟ قَالَ: لَيْسَ لَهُ أَنْ يَتَعَمَّدَ ذَلِكَ، قُلْتُ: إِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُؤَخَّرَهُ إِلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: إِذَا كَانَ مُؤَدِّنًا لِنَفْسِهِ فَلَا بَأْسَ وَلَكِنْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُؤَدِّنَ لِلنَّاسِ فَلَا يُؤَدِّنُ إِلَّا لِلْوَقْتِ، قُلْتُ: فَمَا بَالُ الشَّيْعَةِ يُؤَخَّرُونَ الْأَذَانَ عَنِ الْمَغْرِبِ؟! قَالَ: إِنَّهُمْ مَا أَمَرُوا بِذَلِكَ وَلَكِنَّهُمْ أَمَرُوا بِتَأْخِيرِ الصَّلَاةِ قَلِيلًا إِنْ شَاءُوا!»؛ «منصور پیش از طلوع فجر اذانی را شنید، پس فرمود: هرآینه از مؤدنان خائنانی هستند! گفتم: فدایت شوم، او می خواهد مردم را برای نماز بیدار کند، پس فرمود: او را نمی رسد که برای این منظور اذان بگوید، ولی ندا می دهد: نماز بهتر از خواب است و آن را چند بار تکرار می کند، گفتم: آیا او را می رسد که اذان را از وقتش به تأخیر بیندازد؟ فرمود: او را نمی رسد که عمداً این کار را انجام دهد، گفتم: او می خواهد آن را تا نماز به تأخیر بیندازد، فرمود: هرگاه برای خودش اذان می گوید اشکالی ندارد، ولی هرگاه می خواهد برای مردم اذان بگوید، جز به وقت اذان نمی گوید، گفتم: پس شیعیان را چه می شود که اذان را از مغرب به تأخیر می اندازند؟! فرمود: آنان به این کار امر نشدند، بل امر شدند که نماز را اندکی به تأخیر بیندازند اگر می خواهند».

از اینجا دانسته می شود که نشستن به انتظار اذان شیعیان در مغرب و اذان مساجد اهل سنت خصوصاً در ظهر که بعضاً با توجه به وقت اقامه‌ی نماز جماعت و نه اول وقت نماز اذان می گویند، وجهی ندارد؛ هر چند به نظر می رسد که رسانه‌های هر دو گروه جز در مغرب همزمان اذان می گویند. ۳. محاسبه‌ی ستاره‌شناسان مسلمان هرگاه میان مسلمانان متداول باشد و مورد اختلاف یا بر خلاف قرائن نباشد؛ با توجه به اینکه عقلا در چنین هنگامی با آن یقین پیدا می کنند و خداوند فرموده است: ﴿إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ «تنها عقلا متذکر می شوند».

آری، اگر مشاهده‌ی موقعیت خورشید با چشم خود به سبب ابری بودن آسمان یا سببی دیگر میسر نباشد و اذان شهر و محاسبه‌ی ستاره‌شناسان مسلمان، به سبب اختلاف یا سببی دیگر موجب یقین به فرا رسیدن وقت نشود، بر پا داشتن نماز جایز نیست، بلکه واجب است تا یقین به فرا رسیدن وقت صبر شود.

۱. گفتار ۱۳۹، فقره‌ی ۲

۲. الزعد/ ۱۹

تعلیقات

پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

پرسش فرعی ۱

نویسنده: اسماعیلی

تاریخ: ۱۳۹۸/۳/۵

حضرت علامه در گفتاری، تأخیر در زمان اذان مغرب در میان شیعیان را انحرافی به دست فرقه‌ی خطّابیه می‌دانند. لطفاً دلیل این موضوع را بفرمایید.

پاسخ به پرسش فرعی ۱

تاریخ: ۱۳۹۸/۳/۹

تأخیر اذان مغرب از وقت غروب آفتاب، حاکی از اعتقاد به عدم جواز نماز مغرب در وقت غروب آفتاب و وجوب تأخیر آن است که به اعتقاد ابو الخطاب محمد بن مقلاص أسدی کوفی از غالبان مشهور شیعه شباهت دارد و دلیل این موضوع روایات متعدّد و معتبری است که از اهل بیت رسیده است؛ مانند روایت ذریح محاربی که در آن آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَنْاسًا مِنْ أَصْحَابِ أَبِي الْخَطَّابِ يَمْسُونَ بِالْمَغْرِبِ حَتَّى تَشْتَبِكَ النُّجُومُ قَالَ: أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ مُتَعَمِّدًا»<sup>۱</sup>؛ «به امام صادق علیه السلام گفتم: گروهی از اصحاب ابو الخطاب نماز مغرب را قدری به تأخیر می‌اندازند تا ستارگان نمایان شوند، فرمود: من به سوی خداوند بی‌زاری می‌جویم از هر کسی که عمداً این کار را انجام دهد» و روایت زید شحام که در آن آمده است: «قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَزُ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَسْتَبِينَ النُّجُومُ؟ قَالَ: فَقَالَ: حَطَّابِيَّةٌ؟ إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ سَقَطَ الْقُرْصُ»<sup>۲</sup>؛ «مردی به امام صادق علیه السلام گفت: آیا نماز مغرب را به تأخیر بیندازم تا ستاره‌ها پدیدار شوند؟ فرمود: خطّابی هستی؟! همانا جبرئیل علیه السلام نماز مغرب را هنگامی بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد که قرص خورشید فرو رفت» و روایت صباح بن سیابة و أبو أسامة که در آن آمده است: «سَأَلُوا الشَّيْخَ عَنِ الْمَغْرِبِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ نَنْتَظِرُ حَتَّى يَطْلُعَ كَوْكَبٌ؟ فَقَالَ: حَطَّابِيَّةٌ؟! إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَ بِهَا عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ سَقَطَ الْقُرْصُ»<sup>۳</sup>؛ «از امام درباره‌ی نماز مغرب پرسیدند، پس یکی از آنان گفت: خداوند من را به قربانت گرداند، آیا منتظر بمانیم تا یک ستاره طلوع کند؟ فرمود: خطّابی هستی؟! همانا جبرئیل علیه السلام نماز مغرب را هنگامی بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد که قرص خورشید فرو رفت» و روایت زرارة که در آن آمده است: «قَالَ يَعْني أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَأَمَّا أَبُو الْخَطَّابِ: فَكَذَّبَ عَلَيَّ وَقَالَ إِنَّي أَمَرْتُهُ أَنْ لَا يُصَلِّيَ هُوَ وَأَصْحَابُهُ

۱. تهذیب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۳۳

۲. علل الشرائع لابن بابویه، ج ۲، ص ۴۵۰؛ تهذیب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۳۲

۳. تهذیب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۲۵۸

الْمَغْرِبَ حَتَّى يَرَوْا كَوْكَبَ كَذَا يُقَالُ لَهُ: الْقُنْدَانِيُّ، وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَوْكَبٌ مَا أَعْرِفُهُ»<sup>۱</sup>؛ «امام صادق عليه السلام فرمود: ... و اما ابو الخطاب بر من دروغ بست و گفت من او و اصحابش را امر کرده ام که نماز مغرب را به جای نیاورند تا اینکه فلان ستاره که به آن قندانی گفته می شود را ببینند، در حالی که به خدا قسم من اصلاً آن ستاره را نمی شناسم» و روایت جارود که در آن آمده است: «قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَارُودُ! يُنْصَحُونَ فَلَا يَقْبَلُونَ وَإِذَا سَمِعُوا بِشَيْءٍ نَادَوْا بِهِ أَوْ حَدَّثُوا بِشَيْءٍ أَدَاعُوهُ! قُلْتُ لَهُمْ مَسُوا بِالْمَغْرِبِ قَلِيلًا فَتَرْكُوهَا حَتَّى اسْتَبَكَتِ النُّجُومُ، فَأَنَا الْآنَ أَصْلِيهَا إِذَا سَقَطَ الْقُرْصُ»<sup>۲</sup>؛ «امام صادق عليه السلام به من فرمود: ای جارود! نصیحت می شوند، ولی قبول نمی کنند و هرگاه چیزی به آنان گفته می شود منتشرش می کنند! به آنان گفتم که نماز مغرب را اندکی به تأخیر بیندازید، پس آن را ترک کردند تا اینکه ستاره ها نمایان شدند، لذا من اکنون آن را هنگامی می گزارم که قرص خورشید فرو می رود» و روایاتی دیگر از این دست که همگی بر جواز نماز مغرب در وقت غروب آفتاب و عدم وجوب تأخیر آن دلالت دارند. البته تردیدی نیست که تأخیر نماز مغرب بدون اعتقاد به وجوب آن، اشکالی ندارد؛ چنانکه در گفتار علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی با اشاره به تأخیر اذان مغرب توسط شیعه آمده است: «إِنَّهُمْ مَا أَمَرُوا بِذَلِكَ وَلَكِنَّهُمْ أَمَرُوا بِتَأْخِيرِ الصَّلَاةِ قَلِيلًا إِنْ شَاءُوا»<sup>۳</sup>؛ «آنان به این کار امر نشدند، بل امر شدند که نماز را اندکی به تأخیر بیندازند اگر می خواهند»؛ همچنانکه خود آن جناب، بنا بر روایت برخی یارانش، دقایقی پس از غروب آفتاب به نماز می ایستد و این احتیاطی مستحب محسوب می شود.

تاریخ: ۱۴۰۲/۲/۲۲

نویسنده: صالحه

پرسش فرعی ۲

با توجه به گفتار حضرت علامه ایده الله تعالی در مورد اوقات فضیلت نماز، برای بنده سؤالی پیش آمد و آن اینکه تفاوت اول وقت با وقت فضیلت چیست؟ خواندن نماز در کدام وقت نیکوتر است؟ با توجه به اینکه روایات زیادی در مورد نماز اول وقت داریم، آیا وقت فضیلت بر اول وقت ترجیح دارد؟

همچنین، گاهی ممکن است کسی از بانوان، بعد از داخل شدن وقت نماز صبر کند تا وقت فضیلت برسد و در این حین عذر شرعی برایش پیش بیاید و نتواند نماز را به جای آورد، در صورتی که اگر اول وقت می خواند، قضا نمی شد. در چنین مواردی با فرض عدم امکان پیش بینی شان چه باید کرد؟

۱. رجال الکشي، ج ۲، ص ۴۹۴

۲. تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۲۵۹

۳. گفتار ۱۳۹، فقره ۲



پاسخ به پرسش فرعی ۲

تاریخ: ۱۴۰۲/۳/۳

مراد از وقت فضیلت که اقامه‌ی نماز در آن اجر بیشتری دارد، همان اوّل وقت است؛ چنانکه روایت شده: «أَفْضَلُ الْوَقْتِ أَوَّلُهُ»؛ «با فضیلت‌ترین وقت، اوّل وقت است» و روایت شده: «اغْلَمُ أَنْ أَوَّلَ الْوَقْتِ أَبَدًا أَفْضَلُ، فَعَجَلُ بِالْخَيْرِ مَا اسْتَطَعْتَ»؛ «بدان که اوّل وقت همواره افضل است، پس تا جایی که می‌توانی در نیکی شتاب کن» و در نامه‌ای از حضرت علامه آیده الله تعالی آمده است: «نماز را در اوّل وقت آن بر پا دار»<sup>۳</sup>، جز آنکه «اوّل وقت» مضیق نیست، بل بازه‌ای است که برای نمازهای مختلف متفاوت است و عملاً از لحظه‌ای آغاز می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با رعایت احتیاط برای یقین به دخول وقت و در نظر گرفتن فرصتی برای اقامه‌ی نوافل و برخی حکمت‌ها و مصالح دیگر تعیین فرموده است.

اما زنی که بعد از دخول وقت نماز و پیش از رسیدن وقت فضیلت آن حائض می‌شود، باید قضای نماز خود را بعد از پاک شدن به جای آورد و گناهی بر او نیست؛ همچنانکه اگر پس از گذشتن وقت فضیلت یا حتی در آخر وقت نماز حائض شود نیز گناه کار نیست و کافی است که قضای نماز خود را بعد از پاک شدن به جای آورد.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خراسانی  
 جشن از حجرت مبارکها

برای خواندن  
**مهم‌ترین مطالب پایگاه**  
 کلیک کنید

مِنصُورِهَا شَيْخِ خِرَاسَانِي

۱. تهذیب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۲۵۴
۲. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۲۷۴؛ تهذیب الأحكام للطوسي، ج ۲، ص ۴۱؛ مستطرفات السرائر لابن ادریس، ص ۱۳۱
۳. نامه‌ی ۱۶

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.